

Ethical Considerations Surrounding the Sterilization of Domestic and Stray Animals

Ali karimiyan Seyghalani*

Abstract

The practice of sterilizing domestic and stray animals has gained prominence in modern times as a means to control their population and mitigate the growing number of stray animals resulting from the abandonment of domestic pets. However, this practice has sparked ethical debates among scholars in the field of applied ethics, with divergent viewpoints regarding its ethicality.

This research, conducted through a comprehensive review of relevant literature and employing document analysis and library study methods, aims to critically examine the ethical dimensions associated with the sterilization of domestic and stray animals. By scrutinizing the arguments presented by both proponents and critics of this practice, this study seeks to shed light on potential ethical conflicts and propose possible avenues for resolution.

The findings of this study indicate that a thorough reevaluation of the underlying principles of animal sterilization is not only necessary but imperative. Furthermore, practical changes, including lifestyle modifications and the regulation of breeding facilities for domestic animals, should be implemented to address the ethical concerns raised by this practice. Additionally, it is crucial to consider the potential harm inflicted upon animals and carefully navigate the conflicts of interest that arise between human and animal welfare.

By delving into the ethical complexities surrounding the sterilization of domestic and stray animals, this research aims to contribute to the ongoing discourse in the field of applied ethics and foster a deeper understanding of the implications and potential consequences of this practice.

Keywords

Sterilization, Domestic animals, Stray animals, Ethical arguments, Ethical status.



* Associate Professor of Islamic Studies (Theoretical foundations of Islam), Guilan University, Guilan, Iran.
a.karimiyan110@yahoo.com

کاوشی اخلاقی درباره عقیم‌سازی حیوانات خانگی و حیوانات ولگرد

علی کریمیان صیقلانی*

چکیده

در عصر کنونی، عقیم‌سازی حیوانات خانگی و حیوانات ولگرد خیابانی، به عنوان راهی برای مهار جمعیت آن‌ها و در نتیجه، مقابله با افزایش تعداد حیوانات ولگرد ناشی از رهاشدن حیوانات خانگی، جایگزین کشتن آن‌ها شده است. درستی یا نادرستی اخلاقی این کار موجب اختلاف نظر میان دانشمندان حوزه اخلاق کاربردی شده و برای اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن آن، ادله متعددی مطرح شده است. هرچند ادله مورد نظر مبتنی بر پاره‌ای از واقعیات است، اما در عین حال متأثر از انگیزه‌های منفعت طلبانه یا خیرخواهی برای حیوانات و گاهی نیز برگرفته از منابع درون دینی است.

در این پژوهش که به روش اسنادی از نوع تحلیل محتوا و روش مطالعه کتابخانه-ای انجام شده، تلاش بر این است که ضمن تأمل درباره ادله طرفین نزاحم، راه برون رفت از نزاحم‌های اخلاقی موجود در این پدیده بررسی شود. یافته‌های این نوشتار حاکی از آن است که نه تنها بازنگری در بُعد نگرشی «مبانی» عقیم‌سازی

*دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه گیلان (رشته مبانی نظری اسلام)، گیلان، ایران.



حیوانات ضروری است، بلکه در بُعد عملی نیز تغییر در سبک زندگی، محدودسازی فعالیت پرورشگاه‌های تولید حیوانات خانگی و توجه بیشتر به تزامم منافع انسان و حیوان و آسیب‌های احتمالی‌ای که این عمل بر حیوانات وارد کرده است، ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها

عقیم‌سازی، حیوان خانگی، حیوان ولگرد، ادله اخلاقی، شأن اخلاقی.

مقدمه

از جمله بحران‌های نوظهور، مسئله اخلاقی بودن یا نبودن عقیم‌سازی حیوانات خانگی و شهری برای برون‌رفت از مشکلات فراوان ناشی از نگهداری حیوانات خانگی مولد و نیز تبدیل شدن آن‌ها به حیوانات ولگرد (در اثر رهاسازی) و تکثیر طبیعی آن‌هاست. تاکنون کشتن حیوانات ولگرد که عمدتاً تجربه «انیس انسان بودن» را دارند، به‌عنوان شیوه‌ای برای حل این معضل در دستور کار دولت‌ها یا شهرداری‌ها بوده است. لکن با افزایش اعتراضات مردمی و نیز برخی مراکز دفاع از حقوق حیوانات، نه تنها کشتن حیوانات ولگرد، غیراخلاقی دانسته شد، برای حل این معضل و مشکلات دیگر، پدیده عقیم‌سازی حیوانات خانگی و ولگرد مورد توجه قرار گرفت.

«عقیم‌سازی»^۱، عملی است که به‌سبب آن، شخص یا حیوان به‌طور دائم قدرت تولیدمثل خود را از دست می‌دهد. عقیم‌سازی نرانه یا وازکتومی، روشی است که به‌طور دائم مانع باروری جنس نر می‌شود. در این روش، اسپرم موجود نر از آلت تناسلی خارج نشده و اطمینان حاصل می‌شود انزال او حاوی هیچ اسپرمی نیست و توانایی بارورسازی تخمک را ندارد. وازکتومی یک عمل سرپایی است و با بی‌حسی

1 Vasectomy





موضعی صورت می‌گیرد. پس از تزریق بی‌حسی موضعی، ابتدا پزشک متخصص، برش‌های کوچک یا سوراخ‌های بسیاری ریزی بر کیسه بیضه‌ها می‌زند و سپس، دو مجرای که اسپرم را به آلت تناسلی منتقل می‌کنند، برش داده، آن‌ها را مسدود می‌کند. گاهی نیز عقیم‌سازی در حیوانات خانگی نر، با خارج کردن بیضه‌ها از بدن حیوان انجام می‌شود. اما در عقیم‌سازی حیوانات خانگی ماده، این فرایند معمولاً با خارج کردن تخمدان و رحم از بدن حیوان انجام می‌شود.

مقصود از حیوانات خانگی، هم حیواناتی هستند که بخشی از نیازهای مادی و اقتصادی ما مانند غذا و حمل‌ونقل را تأمین می‌کنند و هم حیواناتی که به‌عنوان انیس، نیاز عاطفی ما را برطرف می‌سازند. مقصود از حیوانات ولگرد نیز آن دسته از حیوانات هستند که یا خود ما آن‌ها را از زندگی شخصی خود خارج کرده‌ایم یا آنکه خودشان از نزد ما گریخته و متواری شده‌اند.

عموماً پدیده عقیم‌سازی، محصول زندگی شهری است و شایع‌ترین حیواناتی که در شهرها نگهداری می‌شوند، سگ‌ها و گربه‌ها هستند. افزایش تعداد این حیوانات در شهرها، با عنوان حیوانات ولگرد، به‌عنوان معضل اجتماعی و شهروندی مطرح است؛ از همین رو، عمده استدلال‌هایی که در ادامه بررسی خواهیم کرد، مربوط به عقیم‌سازی همین حیوانات است؛ اما جنبه عمومی بحث شامل حیوانات دیگر نیز می‌شود.

عقیم‌سازی، جدا از بحث حقوقی، مورد توجه اندیشمندان حوزه اخلاق کاربردی^۱ که موظف به رفع تزاخم‌های اخلاقی نوظهور در مقام عمل هستند، قرار گرفته است؛ از این رو، «عقیم‌سازی حیوانات خانگی و ولگرد»، به‌عنوان یک متغیر مستقل و ثابت، در ترازوی نقد اخلاقی مخالفان و طرف‌داران قرار گرفته و هر گروه براساس پیش‌فرض‌هایی تلاش دارند برای ادعای خود ادله اخلاقی اقامه کنند.

1. Applied Ethics

اما درباره پیشینه این تحقیق لازم است گفته شود عنوان این مقاله به علت نوظهور بودن بُعد اخلاقی آن، از پیشینه چندانی در منابع کتابی و نمایه‌های پژوهشی برخوردار نیست و فقط در برخی از مکتوبات فضای مجازی مطالبی به چشم می‌خورد؛ از این رو، نظرات موافقان یا مخالفان، بیشتر به صورت مجهول بیان شده است و به دفع دخل مقدر می‌ماند؛ لذا هدف این مقاله بیشتر، پیش‌بینی گفتمان آینده است.

این نوشتار در تلاش است با رویکردی بنیادی و با روش تحقیق ترکیبی (توصیفی و تحلیل محتوایی) با رجوع به داده‌های موجود در کتابخانه‌ها و دیگر مجامع اسنادی و با بهره‌گیری از مبانی و اصول مطرح در مکاتب، به تحلیل دیدگاه‌های بعضاً احتمالی در این حوزه پردازد و در نهایت، در ضمن تأملاتی، برای رفع تزاحم در این زمینه، گامی هرچند مختصر بردارد.

الف) ادله اخلاقی طرفداران عقیم کردن حیوانات خانگی

۱. کاهش درد و رنج مادری

بر اساس اخلاق فایده‌گرا، عقیم کردن سگ یا گربه خانگی یا شهری باید اخلاقاً خوب دانسته شود؛ زیرا نه تنها رنج و دردی به آن‌ها وارد نمی‌سازد، بلکه رنج‌های بسیاری را از آن‌ها برمی‌دارد؛ چراکه سگ ماده تقریباً سالی دو بار آمادگی جفت‌گیری می‌یابد و از وقتی به بلوغ می‌رسد تا زمانی که می‌میرد تقریباً هر سال زایمانی پر رنج دارد. چند ماه باردار است، چند ماه توله‌ها را شیر می‌دهد و شاید در سال تنها سه ماه مرخصی دارد و بقیه را به تولیدمثل مشغول است. عقیم‌سازی حیوان ماده، این رنج‌ها را پایان می‌بخشد.

شکل منطقی این استدلال چنین است:

الف) عقیم‌سازی حیوان ماده موجب کاهش رنج ناشی از زایمان‌های

مکرر می‌شود؛



ب) هرچه موجب کاهش رنج ناشی از زایمان‌های مکرر شود، اخلاقاً خوب است؛

نتیجه) عقیم‌سازی حیوان ماده اخلاقاً خوب است.

اما این استدلال تمام نیست. مقدمه دوم را نمی‌تواند یک قاعده کلی دانست؛ چراکه اساساً میان «کاهش درد» و «خوب‌بودن»، رابطه تساوی برقرار نیست، چه برسد به درد ناشی از زایمان و حتی زایمان‌های مکرر.

مقدمه نخست نیز خالی از نقد نیست؛ زیرا اولاً از کجا فهمیدیم که حیوان ماده از تولیدمثل لذت نمی‌برد و مقاربت جنسی برای حیوانات، یک نیاز روحی نیست؟ ثانیاً بر فرض، عقیم‌سازی رنج زایمان‌های مکرر را کاهش دهد، آیا عمل جراحی، دردها و رنج‌های روحی و جسمی جدیدی را برای حیوان ایجاد نمی‌کند؟

ممکن است در مقام انکار دردهای روحی در حیوانات، گفته شود مقاربت جنسی فقط برای انسان، نیاز همیشگی روانی و جسمانی است و در حیوانی مانند سگ، عمل جنسی یک اجبار غریزی و فقط برای تولیدمثل صورت می‌گیرد و تهی از حال و هوای روحی و روانی است.

این فرض نیز جای تأمل دارد؛ زیرا درست است که خاستگاه میل جنسی، غریزه است و البته در این میان انسان و سگ یکسان هستند، اما به چه دلیلی این تمایل در انسان همراه با نشاط روحی است و در حیوان نه؟ آیا این همه مجادله در میان حیوانات نر (به‌ویژه سگ‌ها و گربه‌های نر) و نیز این همه دلربایی که حیوانات ماده برای مقاربت جنسی از خود نشان می‌دهند، بدون التذاذ روحی است؟

درباره درد و رنج جسمانی، ادعا شده است که عقیم کردن حیوانات خانگی ماده، موجب پیشگیری از تومورهای دستگاه تناسلی، عفونت‌های دستگاه تناسلی، عفونت‌های مقاربتی ناشی از جفت‌گیری، جلوگیری از بارداری‌های ناخواسته و کیست‌های تخمدانی می‌شود و در برخی از موارد از این شیوه به‌عنوان درمان تکمیلی در بیماری‌های دیابت و صرع استفاده می‌کنند و برداشتن



رحم و تخمدان (یا همان عقیم‌سازی) موجب پیشگیری از ابتلای حیوان به تومورهای پستان می‌شود.

همچنین ادعا شده عقیم‌سازی حیوان نر به درمان و پیشگیری از رفتارهای نامناسب جنسی، بروز تومورها، عفونت بیضه‌ها، هیپرپلازی خوش خیم پروستات (بزرگ شدن پروستات) و نزاع‌ها و حوادث ناشی از جفت‌گیری منجر می‌شود (<https://blog.sheypoor.com/why-should-pets-be-sterilized>).

اولاً: در تعارض با این ادعاها، برخی از مطالعات دامپزشکی که مخالفان عقیم‌سازی دقیقاً به آن‌ها توسل جسته‌اند، نشان می‌دهد عقیم‌سازی، دردهای بی‌شمار جسمانی را بر حیوانات نر و ماده تحمیل می‌کند و با فرض صحت هر دو دسته مطالعات، تعارض موجود به بی‌فایده بودن هر دو استدلال منجر می‌شود (اذا تعارضاً تساقطاً). مخالفان عقیم‌سازی بر این باورند که آمادگی برای باروری، حاملگی و زایمان، فرایندهای فیزیولوژیکی هستند که حیوانات در تمام طول تاریخ به راحتی آن‌ها را انجام داده و پشت‌سر گذاشته‌اند و بر این اساس، ادعای کسانی را که معتقدند حیوان در زمان آمادگی برای بارداری یا زایمان، درد و رنج بسیاری را متحمل می‌شود، فاقد وجهت علمی و عقلی می‌دانند.

ثانیاً: اگر این ادعا که «با خارج کردن رحم و تخمدان‌ها و بیضه‌ها و... حیوان دچار سرطان رحم و تخمدان و بیضه نمی‌شود» درست باشد، پس چرا هیچ‌گاه علم پزشکی در مقام پیشگیری، این نسخه را در انسان‌ها تجویز نمی‌کند؟! اگر این کار صحیح بود، با شیوع زیاد سرطان پستان در خانم‌ها باید اخلاقاً درست باشد که برای پیشگیری از بیماری‌های یادشده، همه دختران جوان هرچه سریع‌تر برای جراحی برداشتن پستان‌ها اقدام کنند!

ثالثاً: آیا این ادعا که «موجود ماده (چه انسان و چه سگ) در صورت استراحت و داشتن فواصل زیاد میان زایمان‌ها، سالم‌تر است و از این رو، عقیم کردن یا مانع شدن از باروری، اخلاقاً بهتر است»، از نظر علمی قابل اثبات است؟ چه اینکه در مقابل، ادعا



شده تحقیقات علمی که حداقل درباره انسان صورت گرفته، عکس این موضوع را نشان می دهد (حسینی طهرانی، ۱۳۸۹، ص ۶۵-۸۰).

۲. جلوگیری از افزایش آمار سوانح اجتماعی برای حیوانات خانگی گفته شده هر سگ ماده طی شش سال می تواند تبدیل به حدود هفتاد هزار سگ شود.



حال اگر همه تولدها زنده بمانند با خطرهای و مشکلات فراوانی مانند معدوم سازی شهرداری ها، تصادف با خودرو، سرکردن در زباله دان و... مواجه خواهند شد؛ از این رو، اخلاقاً موظفیم پیش از اینکه این حیوانات با این مشکلات مواجه شوند، با عقیم سازی، از افزایش بی رویه آنها پیشگیری کنیم.

شکل منطقی این ادعا چنین است:

الف) عقیم سازی این حیوانات موجب پیشگیری از سوانح احتمالی می شود؛

ب) هر چه موجب پیشگیری از این سوانح شود، اخلاقاً خوب است؛

نتیجه) عقیم سازی این حیوانات، اخلاقاً خوب است.

بر هر دو مقدمه این استدلال نقدهایی وارد است:





اولاً: عقیم‌سازی تنها راه برای پیشگیری از سوانح احتمالی نیست. ثانیاً: اگر عقیم‌سازی از این سوانح پیشگیری می‌کند، این مشکلات فقط به سگ‌ها یا دیگر حیوانات خانگی منحصر نیست و شامل انسان‌ها نیز می‌شود و زندگی انسان‌ها نیز مملو از مواجهه با انواع سوانح، بیماری‌ها، افراد شرور، دزد، قاتل، متجاوز و... است. آیا اخلاقی است که برای کمتر شدن یا اصلاح معضلات جامعه، انسان‌ها را عقیم کنیم؟

ثالثاً: در هر پنج ثانیه یک کودک در جهان از گرسنگی جان خود را از دست می‌دهد. آیا برای جلوگیری از این فاجعه، باید پدران و مادران آن‌ها را عقیم کرد؟ آیا اخلاقاً کار درستی کرده‌ایم؟ (کریمیان صیقلانی، ۱۳۸۸، ص ۵۴-۵۸).

رابعاً: آیا حیوان یا انسان عقیم‌شده، دیگر زیر ماشین نمی‌رود؟ آیا این عمل، شرط «کافی» یا حتی شرط «لازم» برای پیشگیری از شر است؟ اما دربارهٔ مقدمهٔ دوم نیز باید گفت:

اولاً: دست کم براساس مبانی مکاتب و وظیفه‌گرا، «هدف، توجیه‌گر وسیله نیست» و چنین نیست که اخلاقاً هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف، پسندیده باشد. ثانیاً: آیا صرف احتمال زندگی سخت، می‌تواند دلیل موجهی باشد تا ما حیوانات را از تکثیر نسل باز داریم؟ به عبارت دیگر، قطعاً «احتمال زندگی سخت در آینده»، از متغیرهای مداخله‌گر برای بارداری انسان‌ها و حیوانات است؛ اما آیا این متغیر با روش‌های دیگر مهار نمی‌شود؟

۳. جلوگیری از خسارات دینی فرهنگی بر اثر کشتن

گاهی از سر خیرخواهی گفته می‌شود کشتار سگ‌های ولگرد که در حال حاضر برای مهار جمعیت سگ‌ها در ایران انجام می‌شود (www.isna.ir/news/97081507370)، نه تنها فایده‌ای نداشته، بلکه از بُعد فرهنگی، آسیب‌هایی نیز به همراه داشته است؛ از جمله این آسیب‌ها می‌توان

به تبلیغ علیه دین اسلام اشاره کرد. از آنجا که قوانین کشور جمهوری اسلامی، برگرفته از آموزه‌های دینی است، بی‌رحمی شهرداری‌ها با سگ‌ها، دست کم در اذهان برخی از مردم، به دین نسبت داده شده و دست‌مایه تبلیغ علیه دین می‌گردد (احمدیان، ۱۳۹۹).

به این استدلال نیز نقدهایی وارد است؛ از جمله اینکه:

اولاً: در گفتمان علمی، برداشت‌های عامیانه توجیه ندارد و صرف تصورات غلط درباره رفتارهای برخی از متدینان، دلیل نمی‌شود که این رفتارها را به دین نسبت داده و حیوانات خانگی را با عقیم‌سازی به تحمل درد و رنج و مخاطرات جراحی و ناقص شدن و معلول شدن محکوم کنیم.

ثانیاً: آیا به‌راستی میان فرهنگ عمومی با عقیم کردن حیوانات خانگی، رابطه معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که با عقیم کردن حیوانات خانگی، فرهنگ مردم و جامعه ارتقا می‌یابد یا اصلاح می‌شود و با عقیم نکردن، برعکس؟ فرهنگ برآیند سه نظام «شناخت‌ها و باورها (تصورات و باورها)»، «ارزش‌ها و گرایش‌ها (اخلاق و حقوق)» و «رفتارها و کردارها (آموزه‌های عملی و رفتاری)» است (صاحبی، ۱۳۸۴، ج ۱: ص ۱۷۷). آیا در باورهای دینی جامعه مسلمان، فقط حق الناس محترم است یا اینکه حق حیوان نیز دارای احترام است؟

۴. جلوگیری از خسارات مالی

اگر عقیم‌سازی حیوانات ممنوع شود، شخص مالک یا دولت باید متحمل خسارت مالی بسیاری شود و اخلاقاً موظفیم خود یا دیگران را به ضرر و خسارت مالی دچار نکنیم؛ خساراتی مانند هزینه‌های گزاف دامپزشکی برای نگهداری حیوان ماده در فرایند بارداری و زایمان یا هزینه‌های قانونی مراقبت از حیوانات خانگی و یا هزینه‌های مالی فراوانی که متعاقباً به دولت تحمیل می‌شود (اسماعیل پور، ۱۳۹۷).





هر چند این دلیل، خیرخواهانه می‌نماید، اما اگر این استدلال را بپذیریم، دربارهٔ انسان نیز قابل تعمیم است؛ چراکه بی‌تردید گفته خواهد شد اگر انسان‌ها عقیم نشوند، هزینه‌های بسیاری به خود و جامعه و دولت تحمیل خواهند کرد. آیا ما برای اینکه این هزینه‌ها به فرد و جامعه تحمیل نشود، عقیم‌سازی انسان‌ها را اخلاقاً موجه می‌دانیم؟ (کریمیان صیقلانی، ۱۳۸۸، ص ۵۴-۵۸).

۵. نبود منع درون‌دینی عقیم‌سازی سگ

برخی نیز با استفاده از داده‌های درون‌دینی مانند «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» و «کَلِمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ...»، تلاش کرده‌اند عقیم‌سازی سگ‌های ولگرد را از عمومیت روایات ناهی از عقیم کردن حیوانات خارج کنند.

در شرایط فعلی، مهار جمعیت سگ‌ها از نظر اجتماعی و فرهنگی و مذهبی ضروری است و عقیم‌سازی تنها راه است. به این ترتیب، یک حکم دیگر هم به دست می‌آید و آن حرمت کشتار سگ‌ها با روش‌های فعلی شهرداری‌هاست (احمدیان، ۱۳۹۹).

بر این استدلال نیز نقدهایی وارد است؛ از جمله اینکه:

اولاً: یک مسلمان نه ضرر می‌بیند و نه ضرر می‌زند؛ یعنی ادلهٔ مذکور نمی‌خواهد صرفاً جنبهٔ ضرر دیدن انسان را نفی کند، بلکه اجتناب از ضرر زدن را هم نشانهٔ مسلمانی می‌داند.

ثانیاً: به چه دلیلی عقیم کردن فقط سگ ولگرد از عمومیت این روایات خارج است؟ بر فرض منافع عقیم‌سازی برای همهٔ حیوانات خانگی، چرا حیواناتی مانند گربه، خرگوش، خوکچهٔ هندی و... مشمول عمومیت این روایات نباشند؟

ثالثاً: دفع افسد به فاسد، در صورتی حکم عقل است که راه‌های دیگری برای برطرف کردن افسد نداشته باشیم. آیا تنها راه جلوگیری از کشتن حیوانات ولگرد، عقیم‌سازی آنهاست؟ مخالفان عقیم‌سازی ممکن است راه‌های زودبازده

یا درازمدت دیگری مانند جمع آوری و اسکان این حیوانات در اقامتگاه‌ها را پیشنهاد کنند.

رابعاً: اگر قواعد یادشده، به خاطر دفع ضرر، عقیم کردن را مجاز می‌کنند، چرا کشتن را مجاز نکنند؟ اساساً در بقای این حیوانات بی‌شمار نیز ضررهایی متوجه جامعه انسانی خواهد شد.

ب) ادله اخلاقی مخالفان عقیم کردن حیوانات خانگی

مخالفان عقیم‌سازی حیوانات خانگی و ولگرد نیز به ادله تمسک جسته‌اند که در ادامه می‌آیند:

۱. نفی گونه پرستی انسانی

مخالفان گونه پرستی مدعی هستند که حیوانات خانگی برده انسان نیستند تا بنا بر علایق و منافع انسان، به شکل‌های غیرطبیعی در خدمت انسان قرار گیرند؛ برای نمونه، گربه ملوس یا سگ وفادار برای این آفریده نشده‌اند که مفتخر به همدمی مطلق با انسان و محکوم به زندان ابد در چهاردیواری خانه باشند و برای راحتی انسان، دچار معلولیت جسمی و جنسی شده، از همه حقوقی که طبیعت به او داده است، محروم گردد.

۲. دفاع از مظلوم

مخالفان عقیم‌سازی حیوانات، این عمل را بیشتر از آنکه انتخابی از سوی حیوان باشد، یک ضرورت برای زندگی آسوده و راحت انسان می‌دانند. حال سخن این است که مسبب اوضاع کنونی (اینکه حیوانات خانگی ابتدا به عنوان انیس تلقی می‌شوند و سپس به عنوان ولگرد در شهرها رها می‌شوند) کیست؟ آیا تکثیر بیش از حد این حیوانات، خواست طبیعی آن‌ها بوده یا اینکه ما انسان‌ها چنین اوضاعی را به آن‌ها تحمیل کرده‌ایم؟



بدون تردید، ما این ظلم را به حیوانات روا داشته‌ایم و اخلاقاً موظفیم در تراحم منافع میان ظالم و مظلوم، جانب مظلوم را گرفته، از حق او دفاع کنیم.

۳. نادرستی محو جنسیت

عقیم‌سازی، نه تنها حیوانات را فاقد رفتار جنسی می‌کند، بلکه اساساً آن‌ها را از جنسیت خود ساقط می‌کند. بسیاری از صاحبان حیوانات فکر می‌کنند حیوان پس از این عمل، همچنان دارای رفتارهای جنسی طبیعی خود است و فقط بچه‌دار نمی‌شود، درحالی‌که در فرایند اخته‌شدن، غدد جنسی به‌طور کامل خارج می‌شوند، یا از کار می‌افتند و حیوان نر به‌طور کلی از نربودن و حیوان ماده از ماده‌بودن، ساقط و در اصطلاح «بی‌جنسیت» می‌شود. آیا «محو جنسیت» در انسان و حیوان، بدون توجه درمانی و توجه به خواست بیمار، پسندیده است؟ (روشنایی، ۱۳۹۶). اگر این کار درباره‌ی انسان پسندیده نیست، چرا باید درباره‌ی حیوان پسندیده باشد؟ آیا غیر از این است که ما شأن این حیوانات را تابع شأن انسان دانسته و برای آن‌ها شأن ذاتی و مستقل قائل نشده‌ایم؟ (بنسن، ۱۳۸۲، ج ۱: ص ۵۴-۵۹؛ پویمان، ۱۳۸۴، ج ۲: ص ۲۹).

۴. افزایش درد و رنج حیوان عقیم‌شده

مخالفان عقیم‌سازی حیوانات (برخلاف آنچه موافقان ادعا کردند) مدعی هستند این عمل باعث ایجاد معایب، دردها و رنج‌های فراوانی برای حیوانات خواهد شد و تحمیل چنین دردهایی به حیوانات اخلاقاً روا نیست. برخی از این دردها عبارت‌اند از:

کاهش طول عمر، افزایش هفت‌هشت برابری بی‌اختیاری ادرار در ماده‌های عقیم‌شده به‌ویژه در خواب، افزایش احتمال سرطان استخوان، طحال و تومورهای اطراف مقعد (در ماده‌ها) و سرطان بدخیم پروستات در سگ‌های نر تا چهار برابر



(Bryan et al., 2000)، افزایش احتمال سرطان مثانه تا چهار برابر، افزایش احتمال همانژیو سارکوما قلبی (تومور بدخیم سرطانی در قلب)، افزایش احتمال دررفتگی کشکک زانو در سگ‌های سائیز کوچک و متوسط، افزایش احتمال واکنش‌های نامطلوب به واکسن‌ها، افزایش التهاب پانکراس در سگ‌های ماده، افزایش پرخاشگری یا ترسوسدن، افزایش شدت بیماری‌های ادراکی مانند آلزایمر و پارکینسون در سگ‌ها، افزایش عفونت‌های مکرر مجرای ادرار در ماده‌هایی که زیر سن بلوغ عقیم شده‌اند، احتمال ایجاد کم‌کاری تیروئید در ماده‌ها، تغییرات در شخصیت حیوان، سردرگمی درباره‌ی تعیین جنسیت خود، افزایش ترس از صدا، کاهش توده‌ی عضلانی به علت فقدان هورمون تستوسترون، افزایش احتمال پوکی استخوان (استئوپروز) به علت کاهش تراکم استخوان، افزایش ریزش مو و کچلی در بعضی سگ‌ها، بعضی از سگ‌های نر اخته‌شده، بوی سگ ماده می‌دهند و سگ‌های نر اخته‌نشده را به خود جذب می‌کنند، افزایش مشکلات ارتوپدی به علت عقیم‌سازی زیر سن بلوغ، افزایش خطر ابتلا به سرطان عروق طحالی و سرطان مجاری صفراوی و قرارگرفتن در معرض ابتلا به میاستنی گراویس (فلج ماهیچه‌ای) و پانکراتیت (التهاب لوزالمعده) در سگ‌های ماده عقیم‌شده، افزایش خطر ابتلا به درماتیت (التهاب یا آماس پوست) پیرامون آلت تناسلی، التهاب مهبل، التهاب مثانه و عفونت‌های مکرر مجرای ادراری در سگ‌های ماده‌ای که در سن کم عقیم شده‌اند و... (روشنایی، ۱۳۹۶).

۵. نهی درون‌دینی از آزار حیوانات

پیشگیری از آسیب به حیوانات وظیفه‌ی اخلاقی، بلکه دینی است؛ برای نمونه، در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که پیرمرد عابدی در بنی اسرائیل مشغول پرستش خداوند بود. هنگام نماز و عبادت، دو پسر بچه را دید که خروسی را گرفته و پرهایش را می‌کنند. آن عابد به عبادت خود ادامه داد و آن‌ها را از آن عمل





باز نداشت. خداوند به زمین وحی کرد که بندهام را فرو بر. زمین آن عابد را برای همیشه به درون خود فرو برد و نابود کرد» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۶۰-۶۷۰).

این روایت دلالت دارد بر اینکه زیان زدن به جانوران بدون هیچ مصلحتی روا نیست (مجلسی، بی تا، ج ۶۱: ص ۲۲۳). همچنین طبق منابع دینی، عقیم سازی، مصداق حیوان آزاری و تغییر در آفرینش الهی است (رهبر، ۱۳۹۳، ص ۷۶-۷۷)؛ برای نمونه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَيْسَ فِي الْإِسْلَامِ حِصَاءٌ؛ در اسلام بیضه کشیدن مجاز نیست» (راوندی، بی تا، ص ۳۳). ممکن است گفته شود این روایت درباره اخته کردن انسان هاست نه حیوانات؛ اما این روایت نه تنها اطلاق دارد، بلکه با روایات مربوط به نهی از عقیم سازی حیوانات، تثبیت و تقویت می شود.

در روایت دیگری، به نقل از ابن عساکر و عبدالله بن عمر، آمده است: «آن جناب از اخته کردن اسبها و حیوانات نهی فرموده است» (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ص ۴۰۹؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ص ۳۹۱). امام باقر علیه السلام اخته کردن حیوانات و به جنگ واداشتن آنها با یکدیگر را بد می شمرد (احمد بن محمد، ۱۳۷۱ق، ج ۲: ص ۶۳۵).

همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که مردی از نجران در جنگی همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و اسبی داشت که آن حضرت با شیهه آن اسب انس گرفته بود. ایشان مدتی آن مرد و اسب را ندید. کسی را به سراغ او فرستاد. وقتی آمد، آن حضرت پرسید: «با اسب خود چه کردی؟» مرد گفت: «عصبانی شدم و اسب را اخته کردم!». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چرا آن حیوان را "مُثْلَه" و عضو بریده کردی؟ در پیشانی اسب خیر و نیکی نوشته شده تا روز قیامت، و کسانی که اسب دارند باید اصالت و پیشانی و نسل و ساق پا و زیبایی آن را حفظ کنند» (راوندی، بی تا، ص ۳۴).

ج) تأملات:

لازم است برای بررسی منصفانه، ادله موافقان و مخالفان عقیم‌سازی، در قالب چند تأمل ذکر شود:

۱. نبودن منع شرعی جراحی حیوانات خانگی برای درمان

اساساً عمل جراحی اگر به قصد برطرف کردن بیماری‌های مشهود در حیوانات خانگی انجام شود و جنبه درمانی صرف داشته باشد، از نظر آموزه‌های دینی، بلامانع و بلکه وظیفه شرعی صاحبان حیوانات خانگی است؛ برای نمونه، مردی از امام ششم علیه السلام درباره بریدن دنبه‌های گوسفند پرسید و آن حضرت فرمود: «اگر برای اصلاح [درمان] حیوان باشد، اشکالی ندارد...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ص ۲۵۵ و ج ۳: ص ۳۲۹). اهل حدیث از این روایت و مانند آن چنین برداشت کرده‌اند که وارد کردن جراحی به حیوان برای بهبود آن جایز است (مجلسی، بی تا، ج ۶۰: ص ۱۴۷ و ج ۶۱: ص ۲۲۴).

حال، سخن این است که براساس ادعاهای دو گروه موافقان و مخالفان عقیم‌سازی حیوانات، آیا واقعاً این عمل از مصادیق جراحات درمانی حیوانات شمرده می‌شود یا از موارد ایجاد نقص و معیوب کردن آن‌ها؟ آیا عقیم‌سازی غیردرمانی، مصداق تغییر دادن خلقت موجودات که در آیه ۱۱۹ نساء اشاره شده و حرمت آن محرز است، نیست؟ (پورعبدالله، ۱۴۰۱، ص ۵۱) و بر همین اساس است که مشهور فقها هرگونه ضرر به منافع (مگر ضرر اندک جبران‌پذیر) را ممنوع و نادرست می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۶: ص ۳۷۰) که عقیم‌سازی حیوان هم از این قبیل است.

قطعاً براساس روایات، مواردی از عقیم‌سازی حیوانات که جنبه درمانی ندارد، از مصادیق حیوان‌آزاری شمرده شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۴۲-۴۳؛ مقیمی حاجی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹-۱۹۰).



۲. منشأ حق «زاد و ولد حیوانات»

بی تردید، در وجود هر جانوری تمایل به تولیدمثل نهاده شده و به تبع آن، حق ارضای آن را دارد. اما منشأ ثبوت یا سلب این حق چیست؟

برخی از مخالفان عقیم‌سازی معتقدند منشأ این حق، طبیعت آن موجودات بوده است. هستی یافتن موجودی با این علایق و نیازها، خود دلیل بر حق آن‌ها برای برطرف کردن نیازهایشان است. متدینان از این گروه، خدا را نه تنها خالق، بلکه مالک واقعی حیوانات دانسته، بر این باورند که این حقوق، منشأ الهی دارد (محسنی و رضانژاد، ۱۳۹۷، ص ۱۱۷-۱۱۸).

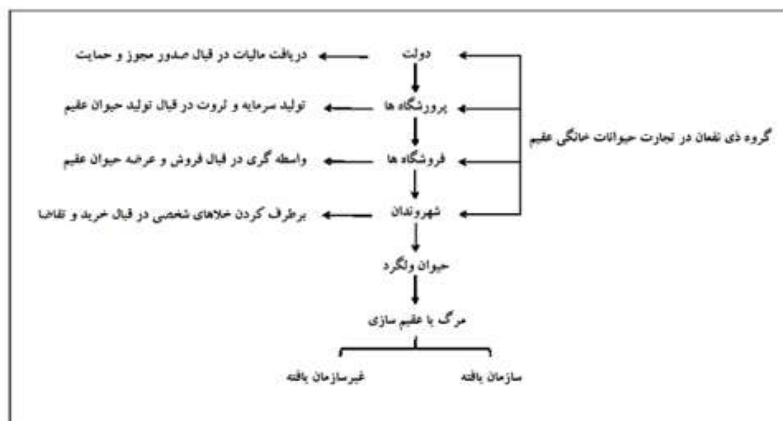
در مقابل، عمده طرف‌داران عقیم‌سازی معتقدند انسان این حق را برای خود و موجودات دیگر وضع می‌کند.

اگر انسان تصمیم گرفت که خود یا موجودات دیگر را از نیازها و علایق‌شان محروم کند، این حق را دارد و هیچ‌کس (حتی خداوند) حق مداخله ندارد؛ از این رو، اختلاف در این مبحث، اختلافی مبنایی است.

۳. تأمل درباره‌ی ذی‌نفعان عقیم‌سازی

برای حل تعارض منافع، باید در نفع همه‌ی مرتبطان و ذی‌نفعان در این پدیده دقت کرد. از سویی، ازدیاد حیوانات خانگی، منافع جامعه را با آسیب مواجه می‌کند و از سوی دیگر، نفع پرورشگاه‌های حیوانات خانگی در تولید بیشتر این حیوانات است و از سوی سوم، منافع غریزی حیوانات خانگی در این است که هرگونه تصمیمی درباره‌ی آن‌ها، با توجه به نفع واقعی آن‌ها گرفته شود و تصمیمات نباید به ضرر جسمی و روحی آن‌ها منتهی گردد.





حال سخن این است که آیا سود اکثریت در این تعامل، دلیل بر اخلاقی بودن تحمیل درد و ضرر به حیوان می شود و صرف سود جمعی انسان ها مرجح تحمیل ضرر بر حیوان خواهد بود؟ اگر تقدم و ارجحیت دارد، ملاک اخلاقی آن چیست؟

ممکن است براساس دیدگاه بزرگان مکتب «منفعت گرایی و سودگرایی عمومی و جمعی»، مانند جرمی بنتام، پاسخ داده شود که همین منفعت و سود جمعی، خود معیار اخلاقی برای تقدم گروهی بر گروه دیگر است و برای تعیین اخلاقی بودن یک عمل، باید به میزان نفع و ضرری که آن عمل به اشخاص ذی نفع وارد می سازد، توجه داشت. اگر نتیجه نهایی سودمند باشد، عمل مزبور، اخلاقی است و اگر نتیجه نهایی زیان آور باشد، غیر اخلاقی است (شهبازی، ۱۳۹۱، ص ۳۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۴). البته بنتام درباره تعامل با حیوانات، ضمن پذیرش ظلم انسان در تحمیل درد و رنج ناخواسته بر حیوانات، آینده ای را آرزو می کند که با بلوغ عقلی بشر، لذت و سود شامل همه جانداران شود و حتی به حیوانات نیز ظلم نشود (Bentham, 1780, p.351).

در این مکتب، اصالت با منافع عموم و جمع است؛ یعنی در تعارض منافع فرد و جمع، باید منافع جمع بر منافع فرد مقدم شود. به عبارت دیگر، در تعارض



منافع، هیچ اشکالی ندارد که منافع فرد، فدای منافع جمع شود؛ چراکه به اعتقاد بنتام باید همواره به دنبال بیشترین خوشی و لذت بود و این وقتی است که تعداد بیشتری در خوشی و لذت باشند (Bentham, 1780, p.351؛ کاپلستون، ۱۳۷۶، ج ۸: ص ۲۵).

هرچند پیروان مکتب منفعت گرایی، بدرفتاری با حیوانات را از مصادیق ظلم و شبیه به برده داری یا تبعیض نژادی در حق انسان‌ها دانسته‌اند (شهبازی، ۱۳۹۱، ص ۳۲)، اما متأسفانه پیامد آن، چیزی جز فزونی یافتن بدرفتاری و ظلم علیه حیوانات نبوده است؛ چه اینکه به صورت طبیعی در طرف ذی‌نفعان واقعی این تعامل، فقط انسان‌ها قرار گرفته و حیوانات همواره به بهانه قربانی شدن اقلیت در برابر سود اکثریت، از حقوق طبیعی خود محروم بوده‌اند.

ایراد بزرگی که کاپلستون بر دیدگاه منفعت‌گرایانه وارد می‌داند این است که به اعتقاد وی، به هیچ وجه محاسبه دقیق لذت و رنج، امکان‌پذیر نیست (کاپلستون، ۱۳۷۶، ج ۸: ص ۲۷). به عبارت دیگر، چگونه می‌توان محاسبه دقیق کرد که وقتی تعداد بیشتری از عملی لذت می‌برند و در طرف مقابل، فردی در رنج قرار می‌گیرد، کمیت و کیفیت واقعی لذت جمع، از کمیت و کیفیت واقعی درد و رنج آن فرد، بیشتر است؟

این دست پرسش‌ها موجب شده حتی منفعت‌گرایی مانند «سینگر» هم تنها مبنای حقوق حیوانات را اصل برابری^۱ بداند (Regan, 2000, p.307؛ شهبازی، ۱۳۹۱، ص ۳۲) و معتقد شود تا ما در تعامل با حیوانات برای آن‌ها حقوق برابر قائل نشویم، محکوم به ظلم در حق حیوانات خواهیم بود. حتی عده‌ای معتقدند فرض منتفع شدن انسان در اقدامی علیه حیوانات، نمی‌تواند توجیه‌کننده آن اقدام باشد؛ زیرا این امر می‌تواند به تغییر در آن گونه جانوری یا انقراض نسل آن منجر شود (توکسل و برایت، ۱۳۷۷، ص ۵۲-۷۳؛ شهبازی، ۱۳۹۱، ص ۳۵).

1 Principle of Equality

بنابراین، بی تردید در مقام داوری بین دو متزاحم اخلاقی، بهتر است میان نتایج کمی و کیفی آن‌ها مقایسه و در نهایت، مناسب‌ترین عمل انتخاب شود؛ اینکه از نظر کمی، کدام عمل، کمترین یا بیشترین سود یا زیان را دارد و از نظر کیفی کدام عمل، ضعیف‌ترین یا شدیدترین تأثیر را خواهد داشت.

در مسئله عقیم‌سازی حیوانات خانگی و ولگرد، اولاً باید دید ما به دنبال سود و زیان خود هستیم یا سود و زیان حیوان. ثانیاً در هر صورت، از نظر کمی و کیفی، بیشترین سود و لذت و بیشترین زیان و درد در کدام طرف است.

۴. عقیم‌سازی، پیامد سبک زندگی

زندگی در عصر مدرن، لوازم خاصی را بر انسان تحمیل کرده است. تضعیف ارزش‌ها و تحمیل تمایلات شخصی بر قواعد شرعی و عقلی، از هم گسیختگی خانواده، کاهش دین‌داری و... موجب شده انسان معاصر، از محرومیت‌های معنوی بسیاری رنج ببرد و در این میان، به ناچار نوع زندگی جدیدی را بر طبیعت تحمیل و متأسفانه، حیوانات را ضربه‌گیر نداشته‌های خود کند. انیس و همدم شدن شاید یکی از اصلی‌ترین نقش‌هایی است که حیوانات باید برای بشر معاصر بازی کنند و در ایفای این نقش ناخواسته، باید متحمل آسیب‌ها و محرومیت‌های جسمی و روحی فراوانی شوند. طبیعی است که بازنگری در سبک زندگی در درازمدت تا حد قابل توجهی معضل حیوانات ولگرد را کم می‌کند.

۵. التزام به سوگندنامه دام‌پزشکی

علم دام‌پزشکی، حقوقی برای حیوانات مقرر کرده است که ربطی به بود یا نبود انسان ندارد و همه دام‌پزشکانی که در عقیم‌سازی مباشرت دارند باید به این حقوق احترام بگذارند. حتی اگر صاحب یک حیوان خانگی بر عقیم کردن حیوان خود اصرار کند، وظیفه اخلاقی و حرفه‌ای دام‌پزشک است که حقوق حیوان را رعایت





کند؛ دربارهٔ انسان‌ها نیز اگر فردی متقاضی او تانازی باشد تا به رنج کهولت یا تحمیل زحمات فراوان به بستگان یا آسایشگاه‌ها و مراکز دیگر پایان دهد، صرف این درخواست، به پزشک مجوز اخلاقی نمی‌دهد. آیا مفاد سوگندنامهٔ پزشکان این است که پزشک اخلاقاً باید مطابق میل و رضایت بیمار و بستگان، عمل کند و جان انسان‌ها را بگیرد یا اینکه در قسم‌نامهٔ خود، به حفظ جان‌ها متعهد شده است؟ آیا در سوگندنامهٔ دام‌پزشکی، پزشک قسم نمی‌خورد که به بیمار خود آسیب نرساند و قواعد اخلاقی را ملتزم باشد؟ هدف از تربیت یک دام‌پزشک، درمان حیوان بیمار و کمک به ترمیم و التیام دردهای آن است یا معلول و ناقص کردن آن؟

در واقع، از زمانی که انسان به صورت غیرمعقول و بدون در نظر گرفتن ارزش‌های دینی و سنتی به دخل و تصرف در طبیعت و محیط‌زیست پیرامونی خود دست زد، همهٔ این مشکلات پیش آمد، حال آنکه طبیعت تا پیش از این، همواره با شعور حاکم بر خود، جمعیت سگ‌ها، گربه‌ها و بلکه همهٔ گونه‌های حیوانی و گیاهی را در حد تعادل نگه داشته بود (بوتکین و کلر، ۱۳۸۲، ص ۳۹).

۶. معیار رتبه‌بندی شأن اخلاقی موجودات براساس حکمت اسلامی

در تعالیم ادیان، احترام به طبیعت و بلکه همهٔ عالم وجود، به عنوان یک اصل اخلاقی، به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است (کیس، سند و لانگ، ۱۳۸۴، ص ۸). براساس مبانی هستی‌شناختی و گیتی‌شناختی مورد نظر در حکمت اسلامی، نه فقط انسان، بلکه همهٔ موجودات عالم ماده (از جمله حیوانات)، چنگی بر زمین و سری رو به آسمان دارند.

سیر انفسی، تعلق به صنف یا گونهٔ خاص ندارد، بلکه همهٔ افراد عالم ماده، ارتباطی درونی و بیرونی با وجود بی‌نهایت دارند (نصر، ۱۳۵۹، مقدمه) و براین اساس، با افراد دیگر مقایسه شده و برتری آن‌ها براساس میزان تقربشان به خالق هستی است. چه بسا فردی از یک نوع حیوان از لحاظ تقرب به خداوند، برتر از یک

فرد انسانی باشد (کریمیان صیقلانی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹). مقصود از تقرب نیز توسعه یافتگی ادراک هر موجودی در کشف اسرار ساحت‌های غیبی هستی (یعنی ملکوت، جبروت و لاهوت) است (کریمیان صیقلانی، ۱۳۹۷، ص ۴۸).

براین اساس، هر حیوان خانگی یا ولگرد، ولو در ظاهر در محیط انسانی اسیر است، در باطن، رابطه‌ای مستمر با خداوند دارد و از این رو، شأن اخلاقی او از شیء یا شخص به شخصیت ارتقا می‌یابد (نصر، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲؛ کریمیان صیقلانی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸-۱۵۹). پس برای داوری درباره‌ی درستی یا نادرستی عقیم‌سازی این قبیل حیوانات، نه تنها باید به نیازها و خواست‌های ذاتی مربوط به حیات دنیوی آنها توجه داشت، بلکه باید به سیر استکمالی آنها و شأن هستی‌شناختی یکایک آنها نیز التفات کرد.



نتیجه‌گیری

از بررسی ادعاهای اخلاقی موافقان و مخالفان عقیم‌سازی حیوانات چنین دانسته شد که هرچند هریک برای مدعای خود ادله‌ای اقامه کرده‌اند، به نظر می‌رسد بیشتر این ادله، مبتنی بر پدیدارشناسی انسان‌محورانه و فارغ از ملاحظات هستی‌شناختی و گیتی‌شناختی حیوانات است. در ضمن برخی از تأملات، چنین دریافته شد که برخلاف پندار هر دو گروه، حیوانات دارای شأن اخلاقی مستقل از انسان هستند و نه تنها جزو اشیا یا اشخاص پیرامون ما نیستند، بلکه هر حیوانی دارای شأن منحصر به فرد است که باید به آن احترام گذاشت. عقیم‌سازی اجباری حیوانات، نهایت بی‌توجهی به شأن حیوانات و بی‌احترامی به نیازهای طبیعی آنهاست و از منظر اخلاق، کاری غیر اخلاقی محسوب می‌شود. براین اساس، در مقام داوری، می‌توان سخن مخالفان عقیم‌سازی حیوانات را اخلاقی‌تر و نزدیک به واقع دانست.



کتاب‌نامه

۱. ابن اثیر (۱۴۰۹ق)، *أسد الغابة في معرفة الصحابة*، بیروت: دار الفکر.
۲. احمد بن محمد بن خالد برقی (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، چ ۲، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۳. احمدیان، ابراهیم (۱۳۹۹)، «حکم اخلاقی و فقهی عقیم‌سازی سگ‌های بی صاحب»، در: <https://www.dinonline.com>
۴. اسماعیل پور، مهدی (۱۳۹۷)، «تیمار هر سگ بی صاحب چهارصد هزار تومان»، در: <http://www.hamshahrionline.ir>
۵. بنشن، جان (۱۳۸۲)، *اخلاق زیست‌محیطی*، ترجمه محمد مهدی رستمی شاهرودی، تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
۶. بوتکین، دانیل و ادوارد کلر (۱۳۸۲)، *شناخت محیط‌زیست: زمین سیاره زنده*، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۷. پور عبدالله، کبری (۱۴۰۱)، «ظرفیت فقه فرهنگ در حل مسئله تحدید نسل»، پژوهش‌های فقهی زنان و خانواده، دوره ۴، ش ۸، ص ۴۷-۶۳.
۸. پویمان، لویی. پ. (۱۳۸۴)، *اخلاق زیست‌محیطی*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: توسعه.
۹. توکسل، جان و کریس برایت (۱۳۷۷)، «گسستن تار و پود شبکه حیات»، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، از مجموعه مقالات در کتاب *وضعیت جهان ۱۹۹۸*، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، *اسلام و محیط‌زیست*، تنظیم و تحقیق عباس رحیمیان، چ ۶، قم: اسراء.
۱۱. حسینی طهرانی، سید محمد حسین (۱۳۸۹)، *رساله نکاحیه: کاهش جمعیت*، ضربه‌ای سهمگین بر بیکر مسلمین، چ ۴، تهران: علامه طباطبایی، مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام.





۱۲. راوندی، سیدفضل الله (بی تا)، النوادر، قم: مؤسسه دارالکتاب.
۱۳. روشنایی، رامک (۱۳۹۶)، «چرا عقیم و اخته کردن حیوان کاری غیراخلاقی و نقض آشکار حقوق حیوان است؟»، مؤسسه جایگزین های آزمایش روی حیوانات، در: <http://noanimaltesting.ir>
۱۴. رهبر، مهدی (۱۳۹۳)، «شبه سازی و عدم تصرف در خلقت الهی»، دوفصلنامه فقه مقارن، س ۲، ش ۳، ص ۷۱-۸۴.
۱۵. شهبازی، آرامش (۱۳۹۱)، «حقوق حیوانات: تأملی در نظریه و رویه»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۴، ش ۳۶، ص ۲۷-۵۶.
۱۶. شیخ طوسی (۱۴۱۴ق)، الأمالی، قم: دار الثقافة.
۱۷. صاحبی، محمدجواد (۱۳۸۴)، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. صالحی شامی، محمدبن یوسف (۱۴۱۴ق)، سبیل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبدالوجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۹. کاپلستون، فردریک (۱۳۷۶)، تاریخ فلسفه، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، چ ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش.
۲۰. کریمیان صیقلانی، علی (۱۳۹۲)، «رتبه بندی شأن اخلاقی موجودات ناسوتی»، پژوهشنامه اخلاق، س ۶، ش ۲۱، ص ۱۴۳-۱۶۴.
۲۱. کریمیان صیقلانی، علی (۱۳۸۸)، از سقط تا سقوط (کنکاشی اخلاقی بر پدیده سقط جنین)، گیلان: دانشگاه گیلان.
۲۲. کریمیان صیقلانی، علی (۱۳۹۷)، «مبانی هستی شناختی امام خمینی رحمته الله علیه در رتبه بندی موجودات عالم ناسوت»، فصلنامه کلام اسلامی، س ۲۷، ش ۱۰۸، ص ۳۳-۵۱.
۲۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیة.



۲۴. کیس، الکساندر، پیتراچ. سند و وینفراید لانگ (۱۳۸۴)، حقوق محیط‌زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی تا)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: اسلامیه.
۲۶. محسنی دهکلانی، محمد و علی رضائزاد (۱۳۹۷)، «تحلیل پدیده حیوان‌آزاری در فقه امامیه و حقوق ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۸۳، ص ۱۱۳-۱۳۶.
۲۷. مصباح یزدی، مجتبی (۱۳۹۴)، بنیاد اخلاق (روشی نو در آموزش فلسفه اخلاق)، چ ۱۰، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۸. مقیمی حاجی، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، «حقوق حیوانات در فقه اسلامی»، فصلنامه علمی ترویجی فقه اهل بیت، ش ۴۸، ص ۱۳۸-۱۹۵.
۲۹. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۰. نصر، سیدحسین (۱۳۵۹)، نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، تهران: خوارزمی.
۳۱. نصر، سیدحسین (۱۳۸۴)، دین و نظام طبیعت، ترجمه محمدحسن غفوری، تهران: حکمت.
32. Bentham, Jeremy (1780). *the Principles of Morals and Legislation*. Edited by J. H. Burns & H. L. A. Hart. Featuring an introduction by F. Rosen and an interpretive essay by H. L. A. Hart, no. 1.
33. Bryan, J. N., Keeler, M. R., Henry, C. J., Bryan, M. E., Hahn, A. W. & Caldwell, C. W. (2000), "A population study of neutering status as a risk factor for canine prostate cancer", *Prime*, Aug 01, 67 (11): 1174-81.

34. Regan, Tom (2000). "Utilitarianism, Vegetarianism, and Animal Rights". *Philosophy and Public Affairs*, vol.9, no.4: 305-324.

35. <http://arw.ir>

36. <https://www.isna.ir>

37. <https://blog.sheypoor.com/why-should-pets-be-sterilized>

(چرا باید حیوانات خانگی را عقیم کرد؟، ۱۳۹۸)



References

1. Ahmad bin Mohammad bin Khaled Barqi (1371 AH). *al-Mahasen*. Edition 2. Qom: Dar al-Kotob al-Islamiyyah.
2. Ahmadian, Ebrahim (2019). "Ethical and jurisprudential decision of sterilization of stray dogs". in: <https://www.dinonline.com>
3. Benson, John (2012). *Environmental Ethics*. translated by Mohammad Mehdi Rostami Shahroudi. Tehran: Environmental Protection Organization.
4. Bentham, Jeremy (1780). *the Principles of Morals and Legislation*. edited by J. H. Burns & H. L. A. Hart. Featuring an introduction by F. Rosen and an interpretive essay by H. L. A. Hart, no. 1.
5. Botkin, Daniel & Keller, Edward (2003). *Environmental Knowledge: Living Planet Earth*. translated by Abdul Hossein Vahabzadeh. Mashhad: Jihad University Press.
6. Bryan J. N., Keeler M. R., Henry C. J., Bryan M. E., Hahn A.W., Caldwell C.W. (2000), "A population study of neutering status as a risk factor for canine prostate cancer". *Prime*, Aug 01, 67 (11): 1174- 81.
7. Case, Alexander, Sanad, Peter H. & Long, Winfried (2004). *Environmental Law*. translated by Mohammad Hassan Habibi. edition 2. Tehran: Tehran University Press.
8. Copleston, Frederick (1997). *History of Philosophy*. translated by Bahauddin Khorramshahi. edition 2. Tehran: Scientific and Cultural Publications and Soroush Publications.
9. Esmailpour, Mehdi (2017). "Treatment of each stray dog is four hundred thousand tomans", in: <http://www.hamshahrionline.ir>
10. Hosseini Tehrani, Seyyed Mohammad Hossein (2010). *The Treatise on Marriage: Reducing the Population, a Great Impact on the Body of Muslims*. edition 4, Tehran: Allameh Tabatabai, Institute of Translation and Publishing of the Course of Islamic Sciences and Education.
11. Ibn athir (1409 AH). *Asad al-Ghaba fi Maarefat al-Sahabe*. Beirut: Dar al-Fekr.
12. Javadi Amoli, Abdullah (2013). *Islam and Environment*. edited and researched by Abbas Rahimian. 6th edition, Qom: Esra Publishing Center.
13. Karimiyan Seighalani, Ali (2008). *From Abortion to Fall (Ethical research on the phenomenon of abortion)*. Gilan: Gilan University.
14. Karimiyan Seighalani, Ali (2012). "Ranking the Moral Dignity of Inhuman Beings". *Ethical Survey*, 6 (21): 143-164.
15. Karimiyan Seiqalani, Ali (2017). "Imam Khomeini's Ontological Basis in Ranking the Creatures of the Infernal World". *The Islamic Kalam Quarterly*, 27 (108): 33-51.
16. Koleini, Mohammad Bin Yaqub (1986). *al-Kafi*. edition 4. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyyah.
17. Majlesi, Mohammad Baqer bin Mohammad Taqi (n. d). *Bihar al-Anwar al-Jamaa le dorar Akhbar al-Aemat al-Athar*. Tehran: Islamia.

18. Misbah Yazdi, Mojtabi (2014). *Ethical Foundation (A New Method in Teaching Moral Philosophy)*. edition 10. Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute.
19. Moghimi Haji, Abulqasem (2005). "Animal Rights in Islamic Jurisprudence". *Ahl al-Bayt Jurisprudence Promotion Quarterly*, 48: 138-195.
20. Mohseni Dehkalani, Mohammad and Ali Rezanejad (2017). "Analysis of animal-cruelty phenomenon in Iranian jurisprudence and law". *Legal Research Quarterly*, 83: 113-136.
21. Najafi, Muhammad Hasan (1404 AH). *Javaher al-Kalam fi Sharh Shari'i al-Islam*. Beirut: Dar Ihya al-Tarath al-Arabi.
22. Nasr, Seyyed Hossein (1980). *Islamic thinkers' opinion about nature*. Tehran: Kharazmi.
23. Nasr, Seyyed Hossein (2004). *Religion and the System of Nature*. translated by Mohammad Hassan Ghafouri. Tehran: Hikmat.
24. Poeman, Louis. P. (2005). *Environmental Ethics. translated by the group of translators*. Tehran: Tehsehan.
25. PourAbdullah, Kobra (1401). "The Capacity of Cultural Jurisprudence in Solving the Issue of Generation Limitation". *Women and Family Jurisprudence Studies*, 4(8): 47-63.
26. Rahbar, Mahdi (2013). "Imitation and non-possession in divine creation", *comparative jurisprudence*, 2 (3): 71-84.
27. Rawandi, Seyyed Fazlullah (n. d), *al-Nawader*. Qom: Dar Al-Ketab Foundation.
28. Regan, Tom (2000). "Utilitarianism, Vegetarianism, and Animal Rights". *Philosophy and Public Affairs*, 9 (4): 305-324.
29. Roshanaei, Ramek (2016). "Why is animal sterilization and castration an unethical act and a clear violation of animal rights?", Institute of Alternatives to Animal Testing, at: <http://noanimaltesting.ir>
30. Sahibi, Mohammad Javad (2004). *Religion and Culture Relations in Iranian Society*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
31. Salehi Shami, Muhammad bin Yusuf (1414 AH). *Sobol al-Hoda and al-Rashad fi Sirat Khair al-Ebad*, research by Adel Ahmad Abd al-Mojood and Ali Muhammad Mawad. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiya.
32. Shahbazi, Aramesh (2012). "Animal Rights: A Reflection on Theory and Practice". *Public Law Research Quarterly*, 14 (36): 27-65.
33. Sheikh Tusi (1414 AH). *al-Amali*. Qom: Dar al-Theqafa.
34. Tuxel, John and Bright, Chris (2017). "Breaking the fabric of the life network". translated by Abdul Hossein Vahabzadeh. from *the collection of articles in the 1998 State of the World book*. Mashhad: Academic Jihad Publications.
35. <http://arw.ir>
36. <https://www.isna.ir>
37. <https://blog.sheypoor.com/why-should-pets-be-sterilized> (Why should pets be sterilized?, 2018)